

(۱) تاریخ در آینه قرآن

سید علاء الدین اعلائی

عبرتی است برای صاحبان درک و بصیرت (نور/ ۴۵-۴۳).

۴. به راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و... در تمامی این‌ها نشانه‌هایی است برای انسان‌هایی که خرد و اندیشه‌ی خود را به کار می‌اندازند (بقره/ ۱۶۴).

قرآن، از یک سو انسان را به شناخت کتاب پراسرار طبیعت و قوانین حاکم بر جهان خلقت که عقل و فکر بشر را به راه می‌اندازد، فرامی‌خواند و از دیگر سو، تأکید و

۱. آیا آن‌ها ندیدند چگونه خداوند آفرینش را آغاز می‌کند، و سپس باز می‌گرداند؟ این کار برای خداوند آسان است. بگو در زمین سیر و سیاحت کنید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است به همین ترتیب، جهان آخرت را ایجاد می‌کند (عنکبوت/ ۲۰-۱۹).

۲. آیا نمی‌نگری که خداوند آبی را از آسمان نازل کرد و به صورت چشمه‌ها روان ساخت؟ در این ماجرا تذکری برای صاحبان خود وجود دارد (زمر/ ۲۱).

۳. آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می‌راند. سپس میان آن‌ها پیوند می‌دهد و بعد آن‌ها را متراکم می‌سازد؟... خداوند است که شب و روز را دگرگون می‌سازد و در این

قرآن کتابی علمی و طبیعی نیست، با این حال، بیش از هر کتاب و هر مکتب علمی دیگری، طبیعت و تاریخ را دو منبع مهم معرفت و شناخت معرفی می‌کند. قرآن با سبک ویژه‌اش، پیروان خود را در راه هدف‌های تعالی خواهانه‌ی تربیتی و سازندگی‌اش به شناخت رموز، اسرار و قوانین، و نظامات حاکم بر طبیعت و نیز شناخت سنن و ضوابط و قانونمداری حاکم بر سیر تاریخ و جامعه فرامی‌خواند و مطالعه‌ی عمیق و دقیق «طبیعت و تاریخ» را به همه توصیه می‌کند. قرآن انسان را به مشاهده‌ی طبیعت، و تعقل و تفکر در خلقت دعوت می‌کند. حقایق کلی و اساسی مربوط به جهان خلقت را بدو ارائه می‌دهد و او را به مشاهده عینی و علمی همه‌ی این پدیده‌ها دعوت می‌کند. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

قرآن



تفکر برخیزد و قوانین و نظامات حاکم بر طبیعت و سنن حاکم بر تاریخ را بشناسد. در غیر این صورت به بدبختی و رنج و عقب ماندگی محکوم می شود؛ آن هم نه رنج و حرمان در این جهان، بلکه در آخرت نیز چنین فرجامی خواهد داشت. شیوه های ثبت رخدادها عبارتند از:

۱. نقلی: در این روش، به علل وقوع حوادث و انگیزه ی پدید آمدن وقایع توجه نمی شود، بلکه آنچه اتفاق افتاده است، ثبت و نقل می شود.

۲. تحلیلی یا علمی: شامل آگاهی از رخدادهای مربوط به گذشته، و علم به احوال جامعه ها و تمدن های دیروز است. برخلاف روش نقلی که جزئی است، به کسب آگاهی در مورد امور نسبتاً کلی می پردازد. در این روش، ضمن آگاهی از تاریخ گذشتگان و به دست آوردن صحت و سقم حوادث تاریخی، می توان به برخی علل و عوامل اعتلا یا انحطاط تمدن ها یا جامعه ها پی برد.

فردا و مسؤلیت آیندگان روشن می کند. قرآن بارها انسان را به صورت جدی به سیر و سیاحت در زمین و زمان دعوت کرده است؛ سیر محققانه، هم برای شناخت قوانین طبیعی و هم برای شناخت سنن حاکم بر جامعه و تاریخ، و عبرت آموختن از آن و فراگرفتن تجربیات پیشینیان. برای آگاهی از این سیر علمی و متفکرانه در زمین و زمان، می توان به سوره ی نحل آیات ۳۶ و ۶۹، سوره آل عمران آیه ی ۱۳۷، سوره ی حج آیه ی ۲۶ و سوره ی غافر آیه ی ۲۱ مراجعه کرد. ویرانه های کاخ های ستمگران و خانه های ویران شده ی جباران و دنیپرستان که روزی در اوج قدرت می زیستند، هر کدام در عین خاموشی، هزار زبان و نکته دارند. از شاهکارهای قرآن و پیامبر این بود که زنجیرهای خرافه و اوهام راز دست و پی عقل و افکار بشر گشود، و انسان را آزاد ساخت تا در کران تا کران طبیعت و تاریخ سیر کند، بیندیشد، به

اصرار دارد که انسان حوادث تاریخی، اتفاقات و رخدادها، تحولات و دگرگونی ها، فراز و نشیب ها، و اوج و حضیض ها را به دقت مطالعه کند تا ضمن عبرت آموزی، برای خودسازی و ساختن دیگران، علل تعالی و انحطاط ملت ها و امت ها و دلایل و عوامل ظهور و افول سلسله ها و چگونگی تکوین و متلاشی شدن قدرت ها را کشف کند و با کنکاش در راز و رمز حیات و مرگ تمدن ها و بروز تحولات و انقلابات اجتماعی، قوانین حاکم بر تاریخ و سنن الهی را در جامعه ها بنگرد و بشناسد و فرا راه جامعه ی خویش قرار دهد.

قرآن پیروان خود را ترغیب می کند، در بران های گذشته را با دنیای معاصر و جهان معاصر را با تاریخ گذشته، و نسل حاضر را با نسل های گذشته پیوند دهند و درک حقایق و دریافت واقعیت را ضروری بدانند. زیرا ارتباط دنیای گذشته و معاصر است که رسالت ما را در ساختن تاریخ



۳. فلسفه‌ی تاریخ: در این شیوه، ضمن بهره‌گیری از تاریخ نقلی و تحلیلی، بحث قوانین و ضوابط حاکم بر تاریخ انسان نیز مطرح می‌شود. چه عواملی تاریخ بشری را سمت و سو می‌دهد؟ سنن حاکم بر روند تاریخ و تحولات و تغییرات آن کدامند؟ هدف فلسفه‌ی تاریخ، شناخت این سنن و قوانین است.

شیوه‌ی قرآن در ترسیم رخدادها و سبک قرآن در بیان رویدادها و حوادث تاریخی، نه نقلی محض است، نه تحلیلی و علمی، و نه صرفاً مبتنی بر فلسفه‌ی تاریخ. بلکه مجموع این سه شیوه را به هم آمیخته و با سبک ویژه‌ی خود، واقعیت‌های جدید و جالب و آموزنده‌ای را مطرح ساخته است. در مورد این سبک ویژه می‌توان گفت:

۱. قرآن کتاب تاریخ نیست، به همین دلیل هم در پی انعکاس گسترده‌ی رویدادها به سبک تاریخ انسان‌ها نیست. گاهی از کنار یک حادثه‌ی مهم تاریخی با اشاره‌ای پر معنا و تفکرانگیز می‌گذرد، گاه به ترسیم رخدادی عبرت‌انگیز در یک سوره بسنده می‌کند، و گاه یک رویداد مهم تاریخی را طی سوره‌های متعدد و آیات گوناگون با ذکر نکات زیبا و بدیع، در حدود ۳۰ مرتبه مطرح می‌کند. تکرار این نکات و مطالب نه تنها ملال‌آور نیست، بلکه به دلیل پیام‌ها، درس‌ها

و مطالب شنیدنی، جالب و دوست‌داشتنی است.

۲. قهرمانان داستان‌های قرآن از نظر جنسیت، نژاد، و موقعیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گوناگونند. قهرمان داستان، گاه پیام‌آور حق است و گاه مجری دستورات حق. گاهی کاخ‌نشین است و گاهی کوخ‌نشین. زمانی چوپان است و زمانی باغبان و کشاورز. در برخی آیات فرمانده نبرد است، در برخی وزیر مکین و امین، و در برخی دیگر کودک نیل و... افراد گردنکش و آراسته به ارزش‌های واقعی و دشمن ضدارزش‌ها نیز بسیارند.

۳. روش روایت داستان‌ها در قرآن متنوع است:

الف) گاه ابتدا در چند آیه زمینه‌سازی می‌کند (مانند سوره کهف) و سپس اصل داستان را به تفصیل شرح می‌دهد.

ب) گاه در آغاز نتیجه‌ی داستان را بیان می‌کند و به دنبال آن، خود داستان را به صورت گسترده و گام به گام ارائه می‌دهد؛ مانند جریان موسی (ع) در سوره‌ی قصص.

ج) گاه داستان به طور مستقیم و بدون مقدمه و به طور فشرده و زیبا و بدیع بیان می‌شود؛ همانند جریان تولد

مسیح (ع) و یا داستان سلیمان پیامبر و پرشش او از هدهد و برخورد او با مورچه که این نمونه‌ها بی‌مقدمه و غافلگیرکننده مطرح شده‌اند.

د) گاه هدف از بیان ماجرا و حادثه‌ی تاریخی، معرفی قهرمان آن حادثه است؛ همچون آوردن نام ابراهیم خلیل و اسماعیل در بنیاد کهن‌ترین معبد توحید، در دومین سوره از قرآن.

ه) زمانی راز ملاقات یا برخورد، هم بر خود قهرمان و هم بر شنونده‌ی داستان پوشیده است. به نظر می‌رسد، هدف اصلی نمایاندن حکمت خداوند است.

و) در جایی، اندکی از راز قضیه بر تماشاگر آشکار و قهرمان داستان مورد سوءظن قرار می‌گیرد و در نتیجه، ترس و نگرانی بر هر دو حاکم می‌شود؛ مانند داستان آوردن تخت ملکه‌ی سبا، برای سلیمان، و درآمدن آن بانو به کاخ بلورین، بالا گرفتن دامن با این تصور که آب بر کف زمین در جریان است.



ز) گاه به طور ناگهانی قهرمان و تماشاگر، در آن واحد با یکدیگر برخورد می کنند و راز مطلب بر هر دو معلوم می شود؛ مانند ظهور روح خدا بر مریم در هیأت انسانی، و توضیح او در پاسخ مریم بیمتاک که من از طرف پروردگار مأمورم به تو پسری عطا کنم. (ح) گاه یک داستان از تابلوهای گوناگون تشکیل شده و فاصله ی میان آن ها را قوه ی خیال پر می کند. با مراجعه به سوره ی یوسف ملاحظه می کنیم که این داستان از ۲۸ تابلو یا مجلس تشکیل شده است و بیش از ۴۰ درس آموزنده و عبرت انگیز دارد که برخی از آن ها عبارتند از:

۱. ضرورت حفظ اسرار؛ ۲.
- دشمنی آشتی ناپذیر شیطان با انسان؛
۳. سرانجام خودپسندی و خودخواهی؛ ۴. عاقبت مستی قدرت و مغرور شدن به کثرت جمعیت نفرات؛ ۵. نتیجه ی به کارگیری وسائل نامشروع برای رسیدن به هدف های مشروع؛ ۶. دروغ، آفت تمدن ها؛ ۷. حسادت، بیماری روحی همه ی قرن ها؛ ۸. دنیاطلبی و زبردستی و عشق به مال، آفت

انحطاط آور؛ ۹. حاصل پیروی از هوای نفس و غریزه ی جنسی و خطرات ویرانگر آن؛ ۱۰. کیده ها، مکرها و نقشه های ظالمانه ی سیاست بازان، بلای رفاه طلبی و زندگی تجملی و تشریفاتی و خطرات آن؛ ۱۱. سوءاستفاده ی حکومت ها از قدرت، ثروت و امکانات توده ها، و نقش دانش و آگاهی در تعالی ملت ها؛ ۱۲. نقش صداقت، امانت و عفت در پیشرفت انسان ها؛ ۱۳. نقش ایمان، اخلاق، توکل، عبادت و بندگی خدا در فلاح و تکامل فرد در جامعه ها؛ ۱۴. نتیجه ی استقامت در راه حق، پایداری در هدف و پایدردی در زندگی؛ ۱۵. تأثیر تقوا و تقوایی در نجات انسان از مهلکه ها؛ ۱۶. ضعف قدرت ها در برابر مشیت خداوند؛ ۱۷. حاکمیت اراده ی خداوند بر طبیعت و تاریخ و پدیده های آفرینش؛ ۱۸. سرانجام شوم هواپرستان، شهوت رانان، مکاران و سرکشان، خیانتکاران و مجرمان، ظالمان و فاسقان، طغیانگران و تکذیب کنندگان خدا. و...؛ ۱۹. نجات و رستگاری متقین و محسنین و متوکلین و مؤمنین و...
بیش از یک چهارم از مجموع آیات قرآن

به طرح مسائل تاریخی اختصاص دارد. رسالت خطیر و عظیم قرآن را می توان بدین صورت از خود کتاب انهی دریافت کرد:

۱. دعوت به توحید و یکتاپرستی (احزاب/۴۵)؛
۲. خارج کردن انسان از ظلمات شرک، کفر و ستم و هدایت او به سوی نور حق و عدل (ابراهیم/۱)؛
۳. بنیاد نهادن عدل و برقراری قسط و انصاف (نسا/۱۰۵)؛
۴. بنیاد نهادن جامعه بر اساس توحید و تقوا (انعام/۵۵)؛
۵. بیان تمامی حقایق، ضوابط و مقررات سعادت آفرین برای بشریت (نحل/۸۹)؛
۶. شرح صدر، رفع حرج و تأمین آرامش و امنیت درونی و برونی برای بشریت (اعراف/۲).

از نظر قرآن، تاریخ در نهایت امر به دامان امن، نعمت و رفاه، و حضور صالحان در زمین منتهی می شود و با استقرار حکومت حق و عدل، بشریت از کمالی عظیم برخوردار خواهد شد و وعده ی تمام فرستادگان و سفیران الهی، جامعه ی عمل خواهد پوشید. (ادامه دارد)



- منابع
۱. تفسیر نمونه، ج ۱۴.
 ۲. آفرینش های هنری در قرآن، سیدقطب
 ۳. جامعه و تاریخ استاد مظهري
 ۴. نهج البلاغه
 ۵. ظهور و سقوط تمدن ها - علی کریمی

